

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۶ جون ۲۰۲۴

کار کودکان و خیابان در ایران و جهان و کشتار کودکان در ایران و غزه!

روز جهانی مبارزه با کار کودکان (World Day Against Child Labor) هر سال دوازدهم ژوئن-۲۳ خرداد ۱۴۰۳، گرامی داشته می‌شود و شعار تعیین‌شده برای آن در سال ۲۰۲۴ «بیباید به تعهدات خود عمل کنیم: به کار کودکان پایان دهیم» است.

روز جهانی کار کودکان هر سال دوازدهم ژوئن مصادف با بیست‌وسوم خرداد ۱۴۰۳ گرامی داشته می‌شود. این روز از سال ۲۰۰۲ معرفی شد که سازمان بین‌المللی کار (ILO) آن را برای شکل‌گیری تلاشی جهانی در راستای افزایش آگاهی در مورد کار کودکان و لزوم کوشش برای جلوگیری از آن تعیین کرد.

روز جهانی کار کودکان Child Labor Day یا روز جهانی مبارزه با کار کودکان World Day Against Child Labor یک رویداد سالانه است که طی آن کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با کار کودکان گرد هم می‌آیند و جدا از گسترش آگاهی و فعالیت‌های مهندسی‌شده در آن به جست‌وجوی راهکارهایی برای ریشه‌کن کردن کار کودکان از اساس می‌پردازند، زیرا بیش از نیمی از این کودکان در معرض انواع بدتری از فعالیت‌ها همچون قاچاق انسان قرار دارند که بسیار خطرناک و غیرقانونی است.

سرکوب و سانسور، فقر و تورم اقتصادی در ایران غوغا می‌کند و در چنین وضعیتی، کودکان بیش‌تر آسیب می‌بینند. طبق اعلام مجلس شورای اسلامی، بین ۳ تا ۷ میلیون کودک کار در ایران مشغول به کار هستند که به دلایل مشکلات اقتصادی، بیماری والدین (اعتیاد)، آسیب‌پذیر بودن خانواده، عدم وجود منبع فرهنگی و ... برای تامین امورات زندگی خود و خانواده مجبور به کار کردن در اماکن مختلف مانند مراکز زباله سوزی، کارگاه‌های تولیدی، جمع‌آوری ضایعات آهن و پلاستیک و ... مشغول به کار هستند و تلاش می‌کنند تا با کمترین درآمد به چرخش چرخ زندگی خود و خانواده کمک کنند ولی این پایان کار نیست.

فعالان کارگری، مدافعان حقوق کودکان و همچنین فعالان حقوق بشر در ایران همواره از محل کار زیرزمینی کودکان ابراز نگرانی می‌کنند.

ایرج حریریچی، جامعه‌شناس، آسیب‌شناس اجتماعی و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی معتقد است که به دلیل عدم آگاهی از کودکان کاری که در کارگاه‌های غیر مجاز نگهداری می‌شوند در آینده نزدیک مشکلات بسیاری را برای جامعه ایران به‌وجود خواهد آورد.

اما امسال نه تنها کار کودک، بلکه کشتار کودکان فلسطینی و ایرانی هم به یکی از بزرگترین فجایع بزرگ انسانی روز تبدیل شده است. بنابراین، نمی‌توان از کار کودک و خیابان حرف زد اما به کشتار کودکان در ایران و غزه پرداخت!

بر اساس یک گزارش جدید سازمان ملل متحد، خشونت علیه کودکان گرفتار در درگیری‌های فزاینده سال ۲۰۲۳ با تعداد بی‌سابقه کودکان کشته‌شده و زخمی شده، از اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی تا سودان، میانمار و اوکراین به «سطح بالایی» رسید.

گزارش سالانه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، از «افزایش تکان‌دهنده ۲۱ درصدی تخلفات شدید» علیه کودکان زیر ۱۸ سال در مجموعه‌ای از درگیری‌ها خبر می‌دهد. این درگیری‌ها از جمله در کشورهای کنگو، بورکینافاسو، سومالی و سوریه روی داده است. همچنین برای اولین بار، سازمان ملل متحد، نیروهای اسرائیلی را در لیست سیاه کشورهای قرار داد که حقوق کودکان را به دلیل کشتن و معلول کردن کودکان و حمله به مدارس و بیمارستان‌ها نقض می‌کنند.



کودکان غرق خون در غزه

روز جهانی کودک امسال در حالی فرا رسید که ارتش جنایت‌کار اسرائیل در طول هشت ماه جنگ خونین و نسل‌کشی در نوار بسته غزه، هزاران کودک را قتل‌عام کرده است. چنین جنایت هولناکی در تاریخ جهان در چنین ابعادی و در چنین مدت کوتاهی بی‌سابقه است. این نسل‌کشی آشکاری است که در مقابل دیدگان جهانیان و با چشم‌پوشی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و متحدان آن‌ها صورت می‌گیرد. در واقع ما در جهانی زندگی می‌کنیم که نه تنها حقوق کودک پاس داشته نمی‌شود و در جای جای جهان کودکان استثمار می‌شوند و مورد استفاده‌های وحشیانه قرار می‌گیرند، بلکه در جنگ اسرائیل و حماس جان آن‌ها نیز ابزار انتقام‌جویی‌های کور نژادی و فاشیستی قرار می‌گیرد. همچنین روز جهانی کودک در شرایطی فرا رسید که جمهوری اسلامی قتل بیش از ۷۰ کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» و همچنین حملات سیت‌ماتیک بیولوژیک به مدارس دختران کشور در مدت کمتر از یک سال را در پیرونده دارد. در همین مدت و در حرکت جنایت‌کارانه برای مرعوب ساختن نوجوانان و کل جامعه صدها مدرسه دخترانه در سراسر کشور را با گازهای سمی مورد حمله قرار داده و هزاران کودک را مسموم کرده است. این جنایات هولناک در شرایطی صورت می‌گیرند که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چندین میلیون کودک خانواده‌های کارگری و کم درآمد از تحصیل محرومند. کودک آزاری به اشکال گوناگون اعمال می‌شود و هنوز مدرسی هستند که

در آن‌ها تنبیه بدنی صورت می‌گیرد. هنوز هم زندان‌های این حکومت پر از کودکان پایین‌تر از ۱۸ سال است و ایران یگانه کشور در دنیاست که در آن کودکان زیر ۱۸ سال اعدام می‌شوند.

کودکان در اعتراضات اخیر در ایران هزینه هنگفتی پرداخته‌اند. آنان در خیابان‌ها شاهد صحنه‌های شوکه‌کننده‌ای بوده‌اند که دست‌کم به تروماهای طولانی‌مدت برای آن‌ها تبدیل خواهد شد.

دستگاه سرکوب از مدرسه‌ها برای پارک و نگهداری خودرو و تجهیزات ضدشورش استفاده کرده که این‌دست اقدامات، نه تنها توهین به شأن اماکن آموزشی است که به رابطه کودکان و محل آموزش آن‌ها که خانه دومشان است هم آسیب زده است.

همچنین چندین و چند مورد از ورود ماموران سرکوب به مدارس برای بازداشت دانش‌آموزان منتشر شده؛ مواردی که در آن اولیای حامی حکومت مدرسه، سر زدن حرکاتی ساده از دانش‌آموزان مثل درآوردن مقنعه را به ماموران امنیتی خبر داده بودند.

فرستادن کودکان به میان میادین مین در جنگ ایران و عراق، به کار گرفتن سرباز کودک‌ها در جنگ، استفاده از کودکان در عزاداری‌ها و خونین کردن بدن آن‌ها با قمه و زنجیر، استفاده از کودکان بسیجی برای سرکوب مردم، همگی از جمله جنایات فراموش ناشدنی جمهوری اسلامی علیه کودکان هستند که در مفهوم جنایت علیه بشریت می‌گنجد. صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، نخستین نهاد مسپول برای ارائه کمک بشردوستانه و کمک به رشد و توسعه کودکان در سراسر جهان، در برابر اعمال خشونت بی‌جا و زور علیه کودکان بی‌گناه ایران، موضع روشنی اختیار کرد.

یونیسف در چندین مورد، بیانیه‌هایی صادر کرد و استفاده از زور و خشونت علیه کودکان که منجر به آسیب و از دست رفتن جان‌شان شده و همچنین بازداشت‌های خودسرانه کودکان در ایران را محکوم کرد.

کاترین راسل، مدیر اجرایی یونیسف، اکتبر ۲۰۲۲ از نگرانی این سازمان درباره گزارش‌هایی از قتل و جراحت و بازداشت کودکان و نوجوانان در بحبوحه اعتراضات در ایران خبر داد.

اما بخش آگاه جامعه ایرانی، فکر می‌کند یونیسف آن‌چنان که باید و شاید به وظایفش در قبال کودکان در ایران عمل نکرده است.

در گزارشات و رسانه‌های مختلف آمده است که از زمان آغاز جنگ اسرائیل در منطقه پرمجمعیت غزه، بیش از ۱۵۵۱۷ کودک فلسطینی جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس این گزارشات در نتیجه این جنگ، بیش از ۱۷ هزار کودک فلسطینی یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها را از دست داده‌اند.

همچنین ۳۵۰۰ کودک فلسطینی نیز به‌علت سوءتغذیه یا کمبود منابع غذایی ناشی از جنگ با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. تاکنون ده‌ها کودک فلسطینی در نتیجه سوءتغذیه و خشکی بدن جان خود را از دست داده‌اند.

حدود ۴۰ درصد مجموع جان‌باختگان فلسطینی در غزه را تشکیل می‌دهند. بر اساس آمارهای رسمی، با گذشت ۸ ماه از جنگ غزه تاکنون بیش از ۳۶ هزار فلسطینی کشته شده‌اند و بالغ بر ۸۶ هزار نفر دیگر زخمی شده‌اند. همچنین حدود ۸۰ درصد از زیرساخت‌های غیرنظامی غزه شامل مدارس، منازل مسکونی، بیمارستان‌ها و... تخریب شده‌اند.

با یک جست‌وجوی ساده می‌توان صدها سند و فیلم و عکس و گزارش درباره نسل‌کشی دولت و ارتش اسرائیل در غزه را مشاهده کرد. «آنروا» گزارشی واقعا تکان‌دهنده از کودک‌کشی دولت اسرائیل منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، «فیلیپ لازارینی»، کمیسر کل آژانس امدادسانی و کاریبایی آوارگان فلسطینی(آنروا) اعلام کرد: «تعداد

کودکان کشته شده در نوار غزه در چهار ماه جنگ با اسرائیل بیش‌تر از چهار سال درگیری در سراسر جهان است.» به نقل از لوریان لو ژور، لآزارینی در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس ضمن محکوم کردن «جنگ علیه کودکان» نوشت: تعداد کودکانی که گفته می‌شود طی تنها چهار ماه در غزه کشته شده‌اند، بیشتر از تعداد کودکانی است که در چهار سال گذشته در تمام درگیری‌ها در سراسر جهان کشته شده‌اند. وی در ادامه به ارقام سازمان ملل اشاره می‌کند که بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، ۱۲ هزار و ۱۹۳ کودک در درگیری‌ها در سراسر جهان کشته شده‌اند و این در حالی است که در غزه طی فقط ۴ ماه ۱۲ هزار و ۳۰۰ کودک قتل‌عام شده‌اند! و طبق گزارش رسمی سازمان ملل ۷۰ درصد کل جان‌باختگان غیرنظامی‌اند.

«جیمز الدر» سخنگوی صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در گزارشی به توصیف وضعیت فوق بحرانی کودکان در نوار غزه اشاره و اعلام کرد که هرگز ویرانی‌هایی مانند آنچه که در خان یونس و غزه شاهد آن بودم در هیچ کجا ندیدم و در صورتی که اسرائیل بخواهد تهدیدات خود را برای حمله به رفح اجرایی کند وضعیت به شدت بدتر خواهد شد.

این سخنگوی یونیسف در مقاله‌ای که در روزنامه گاردین منتشر شد اعلام کرد که جنگ غزه بسیاری از کودکان را مجبور کرده چشمان خود را ببندند و گورستان‌هایی در رفح وجود دارد که پر از کودکان است. من هنگام بازدید از بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان اروپایی در رفح در جنوب نوار غزه کودکان را دیدم که چه وضعیت وخیمی داشتند. تنها چند هفته بعد از این‌که همه جهان کشتار ۷ عضو سازمان آشپزخانه مرکزی جهانی در غزه را محکوم کردند، یک ماشین وابسته به یونیسف که در تلاش برای کمک رسانی به غیرنظامیان بود منفجر شد.

وی ادامه داد که حملات هوایی شدید طی این هفته موجب قتل‌عام شمار زیادی از غیرنظامیان بزرگسال و کودک در رفح شده است. بیش از شش ماه از جنگ در نوار غزه می‌گذرد و این جنگ در حال شکستن سیاه‌ترین رکوردها در جنایت علیه بشریت است.

سخنگوی یونیسف با اشاره به کمبود شدید منابع غذایی و آبی چه برای نوشیدن و چه برای مصارف بهداشتی گفت که در غزه دیگر جایی برای رفتن وجود ندارد. وضعیت بهداشتی در رفح بسیار وحشتناک بوده و به ازای هر ۸۵۰ نفر تقریباً یک توالت وجود دارد و به ازای هر ۳۵۰۰ نفر تنها یک حمام وجود دارد. تصور کنید که یک دختر نوجوان یا یک زن باردار و یا کودکان و سالمندان باید کل روز در صف بایستند تا بتوانند از توالت یا حمام استفاده کنند.

جیمز الدر هشدار داد که حمله به رفح عواقب فاجعه باری خواهد داشت؛ زیرا رفح در واقع شهر کودکان است، جایی که حدود ۶۰۰ هزار کودک در آن زندگی می‌کنند. همچنین وضعیت بزرگترین بیمارستان باقی‌مانده در غزه یعنی بیمارستان اروپایی هم بسیار وخیم است.

گزارش‌های عجیب و غریبی هم از سوءتغذیه مادران باردار و کودکان شیرخوار منتشر شده است که شنیدنش مو به تن آدمی سیخ می‌کند. سازمان ملل در همین رابطه، اعلام کرد که ۹۰ درصد کودکان زیر دو سال در غزه از فقر شدید غذایی رنج می‌برند و ۹۵ درصد زنان باردار و زنانی که شیر می‌دهند نیز از کمبود شدید غذا رنج می‌برند.

اکنون حمایت از چنین دولتی حتی برای برخی متحدانش هم سخت شده و آن‌ها هر از چندگاهی برای حفظ ظاهر هم شده علیه این دولت موضعی می‌گیرند. مثلاً جوزپ بورل، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا بدون اشاره به نام دولت اسرائیل در مقر سازمان ملل گفت: «از گرسنگی به‌عنوان بازوی جنگی در غزه استفاده می‌شود... این بحران انسانی، یک فاجعه طبیعی نیست. یک سیل نیست. یک زلزله نیست بلکه ساخته دست بشر است.»

دادگاه بین‌المللی لاهه در ۲۴ مه، احکام بازداشت تعدادی از سران دولت اسرائیل از جمله بنیامین نتانیاهو نخست وزیر و یوآف گالانت وزیر جنگ را صادر کرده است. پیش از این برخی از محافل بین‌المللی از جمله سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز انتقاد گسترده‌ای را از دولت اسرائیل مطرح کرده و خواستار الحاق این رژیم به لیست «ننگ» سازمان ملل متحد شده بودند.

کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴ نیز گزارش کرد در مراحل اولیه جنگ غزه، هم اسرائیل و هم حماس مرتکب جنایات جنگی شده‌اند و اقدام‌های اسرائیل به دلیل تلفات عظیم غیرنظامیان، جنایت علیه بشریت نیز محسوب می‌شود.

این یافته‌ها در دو گزارش موازی منتشر شده است، یکی از این گزارش‌ها بر حملات حماس در ۷ اکتبر و دیگری بر پاسخ نظامی اسرائیل متمرکز است. کمیسیون تحقیق سازمان ملل، که وظیفه گسترده جمع‌آوری شواهد و شناسایی مرتکبان جنایات بین‌المللی در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین را بر عهده دارد، این گزارش‌ها را ارائه کرده است. اسرائیل با این کمیسیون همکاری نمی‌کند و آن را به دشمنی علیه اسرائیل متهم می‌کند. هیات دیپلماتیک اسرائیل در سازمان ملل متحد در ژنو یافته‌ها را رد کرده و این کمیسیون را به دشمنی با اسرائیل متهم کرده است. حماس در این مورد هنوز اظهارنظری نکرده است.

این گزارش‌ها، که تا پایان دسامبر ۲۰۲۴ را پوشش می‌دهند، اعلام کرده‌اند هر دو طرف مرتکب جنایات جنگی شده‌اند. این جنایات شامل شکنجه، قتل عمد، تحقیر شخصیت و رفتار بی‌رحمانه یا غیرانسانی است.

اسرائیل همچنین به ارتکاب جنایات جنگی اضافی از جمله استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی متهم شده است. این گزارش اعلام کرده که اسرائیل نه تنها از تامین نیازهای اساسی مانند غذا، آب، پناهگاه و دارو به مردم غزه خودداری کرده بلکه از تامین این نیازها توسط دیگران نیز جلوگیری کرده است.

اسرائیل به قتل عمد به‌عنوان جنایات علیه بشریت نیز متهم شده است. این گزارش اعلام کرده تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان در غزه و تخریب گسترده اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی نتیجه اجتناب‌ناپذیر استراتژی است که هدف آن ایجاد حداکثر آسیب است و اصول تمایز، تناسب و احتیاط کافی را نادیده گرفته است.

یافته‌های این کمیسیون بر اساس مصاحبه با قربانیان و شاهدان، صدها گزارش، تصاویر ماهواره‌ای، گزارش‌های پزشکی و اطلاعات دیگر تأیید شده است. در گزارش ۵۹ صفحه‌ای مربوط به حملات ۷ اکتبر، کمیسیون چهار مورد از کشتارهای جمعی در پناهگاه‌های عمومی را تأیید کرده که نشان می‌دهد شبه‌نظامیان دستورالعمل‌های عملیاتی داشتند. همچنین خشونت جنسی توسط گروه‌های مسلح فلسطینی شناسایی شده اما گزارش‌های مربوط به تجاوز را نتوانسته‌اند به طور مستقل تأیید کنند.

گزارش طولانی‌تر ۱۲۶ صفحه‌ای مربوط به غزه اعلام کرده استفاده اسرائیل از سلاح‌هایی مانند بمب‌های هدایت‌شونده MK84 با ظرفیت تخریبی بزرگ در مناطق شهری با قوانین بشردوستانه بین‌المللی سازگار نیست زیرا این سلاح‌ها نمی‌توانند به‌طور کافی یا دقیق بین اهداف نظامی و غیرنظامی تفاوت قائل شوند.

این گزارش‌ها هفته آینده در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو مورد بررسی و بحث قرار خواهد گرفت. کمیسیون تحقیق که این گزارش‌ها را تهیه کرده است، شامل سه کارشناس مستقل است که ریاست آن را نوانا پیلا، رئیس سابق حقوق بشر سازمان ملل، بر عهده دارد. این کمیسیون در سال ۲۰۲۱ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو تاسیس شده است و دارای مأموریتی بدون محدودیت زمانی است. این مأموریت نامحدود مورد انتقاد اسرائیل و برخی از متحدانش قرار گرفته است.

اما «گیلاد اردان»، نماینده اسرائیل در سازمان ملل، گفته این تصمیم «شرم‌آور» روز جمعه به او اطلاع داده شده است. اسرائیل کاتز، وزیر خارجه اسرائیل، گفت که این امر «عواقبی برای روابط اسرائیل با سازمان ملل خواهد داشت.» نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاوو، گفت سازمان ملل خود را به «لیست سیاه تاریخ» اضافه کرده است و ارتش اسرائیل «اخلاقی‌ترین ارتش در جهان» است.



کار کودکان

کار کودکان به استثمار کودکان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه اطلاق می‌شود که به دلیل شرایط بد اقتصادی، آن‌ها را از دوران کودکی و دسترسی به آموزش و آسایش محروم می‌کند. کار کودکان در طول تاریخ به اشکال مختلف وجود داشته است و شواهد ثبت‌شده نشان می‌دهد کودکانی از ابتدای انقلاب صنعتی وجود داشته‌اند که حتی روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کردند.

قابل توجه این‌که کودکانی که در کسب‌وکار به خانواده خود کمک می‌کنند و در عین به‌دست آوردن درآمد برای خود از کودکی کردن و حق تحصیل محروم نیستند، در دسته کودکان کار محسوب نمی‌شوند؛ این عمل بسیار تشویق می‌شود زیرا کودک را برای آینده اقتصادی روشن‌تر آماده می‌کند و به تقویت هوش مالی آن‌ها کمک می‌کند، اما کودکانی که به دلیل شرایط اقتصادی خانواده از دوران کودکی محروم و مجبور به کار می‌شوند تا بتوانند در درآمد خانواده سهیم باشند، در زمره کودکان کار قرار دارند.

کار کودک، همواره یکی از موضوعات مورد بحث در سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی بوده است و تلاش‌های جدی برای جلوگیری از آن صورت گرفته است، اما هنوز حدود ۱۶۰ میلیون کودک درگیر کار کودکان هستند و جهان همچنان به تلاش‌های بیش‌تری برای ریشه‌کنی آن نیاز دارد. رسیدگی به وضعیت ناراحت‌کننده کودکان کار در سراسر جهان، نیاز به تلاشی هماهنگ برای پایان دادن به همه اشکال کار کودکان دارد.

امروزه ۱۶۰ میلیون کودک کار در سراسر جهان وجود دارد که این تعداد تنها طی چهار سال گذشته، ۸/۴ میلیون نفر افزایش داشته است. بیشترین درصد کودکان درگیر کار (۷۰ درصد) در بخش کشاورزی مشغول کار هستند. طبق آمار سازمان ملل متحد، بزرگترین عامل کار کودکان فقر و بیکاری است.

آفریقا به‌طور کلی در سراسر جهان، به‌طور مداوم در جایگاه اول کار کودکان قرار دارد و از هر پنج کودک یکی درگیر کار کودک است. تقریباً ۷۲/۱ میلیون کودک آفریقایی به‌عنوان کودک کار مشغول هستند که ۳۱/۵ میلیون از آن‌ها در شرایط خطرناک کار می‌کنند. دومین آمار مربوط به کمربند آسیا-اقیانوسیه است که ۷ درصد از کل کودکان

قربانی کار کودکان هستند. هند پیشتاز کار کودکان در جنوب آسیا است و بیشترین تعداد کودکان درگیر در کار را دارد که از پنج میلیون نفر فراتر رفته است.

کودکان خیابانی

کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند.

«کودک خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده‌شان ندارند اطلاق می‌شود.

پدیده کودکان خیابانی، پدیده‌ای جهانی و هشداردهنده است. تقریباً هیچ شهر و کشوری در دنیا نیست که کودک خیابانی نداشته باشد. این مشکل، هم معضل کشورهای پیشرفته است و هم کشورهای در حال رشد. اما امروزه در کشورهای فقیر آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا شیوع بیشتری دارد. فقر، ازهم پاشیدگی خانوادگی، بیماری و فوت والدین، کودک آزاری و مسامحه کاری یا ترک کردن خانواده و عدم رشد اجتماعی عوامل رایجی برای زندگی کودک در خیابان هستند.

تعریف روشنی از کودکان خیابانی وجود ندارد. مثلاً نمی‌توان گفت همه کودکانی که در خیابان هستند، بی‌خانمان هستند. اکثریت عمده آنها یعنی بیش از سه چهارم تا ۹۰ درصد از این کودکان در کشورهای مختلف در حال رشد، در خیابان کار می‌کنند؛ اما در خانه زندگی می‌کنند و نان‌آور خانه هستند. «کودکان خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی‌خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده‌شان ندارند، اطلاق می‌شود. گروه دوم در معرض بیشترین خطرات هستند. به قتل رسیدن، کودک آزاری‌های مکرر و برخوردهای بی‌رحمانه غیرانسانی با این کودکان که سنشان بین ۵ تا ۱۸ سال است، امری رایج است. آنان گاهی برای زنده ماندن به دزدی و فحشاء دست می‌زنند. این کودکان آسیب‌پذیری زیادی در مقابل بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز دارند. (در کشورهای دیگر) تخمین زده می‌شود که ۹۰ درصد از آنان معتاد به مواد استنشاقی مانند چسب کفش و تینر رنگ هستند که باعث آسیب به کلیه و صدمات جبران‌ناپذیر مغزی و در برخی موارد مرگ می‌شود.



کودکان خیابانی در ایران

در ایران، آمارهای مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می‌شود، افراد مختلف بنا به سلیقه و نظر خود تعداد آنها را از ۲۰۰.۲۰ نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده‌اند.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۲ در همایش بررسی آسیب‌های اجتماعی، تعداد آنان ۵۰۰ هزار نفر اعلام شد. در سال ۱۳۸۲، ۳۱ هزار کودک خیابانی توسط سازمان بهزیستی جمع‌آوری و سامان‌دهی شد که ۸۰ درصد آن‌ها کودکان کار بودند، ۲۴ هزار و ۷۰۰ نفر آن‌ها مربوط به تهران بوده است که از سطح شهر و پایانه‌های مسافربری جمع‌آوری شدند و حدود ۷۰۰ نفر آن‌ها از اتباع افغان بودند. در سال ۱۳۸۳ نیز ۱۴ هزار و ۲۶۹ کودک خیابانی در کشور پذیرش شده‌اند. در سال ۱۳۸۶ نیز ۱۲ هزار و ۵۰۰ کودک کار و خیابان در مراکز بهزیستی کشور پذیرش شده‌اند. دلایل زیادی برای کار و زندگی کودکان در خیابان وجود دارد. برخی از این علل عبارتند از: فقر، از هم پاشیدگی خانواده، سوءمصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک‌آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، از دست دادن والدین به سبب حوادث و بیماری و ایذ، مهاجرت و ...

*در سال ۱۳۷۷ مطالعه‌ای توسط یونیسیف بر روی کودکان خیابانی تهران صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش، مهاجرت، تعداد زیاد افراد خانواده، از هم پاشیدگی خانواده، آزارهای جسمی و روانی در خانواده، بی‌سوادی والدین و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای والدین از فاکتورهای مرتبط با حضور کودکان در خیابان‌ها است. بر اساس این مطالعه ۶۰ درصد بچه‌های خیابان از مهاجرینی هستند که خود دو گروه را تشکیل می‌دهند. مهاجرین از شهرستان به تهران و مهاجرین خارج از کشور به ایران (عراقی‌ها و افغانی‌ها). بقیه بچه‌های خیابان به علت فقر خانوادگی در خیابان‌ها مشغول به کار هستند و گروهی دیگر به دلیل شرایط نابهنجار خانوادگی و اختلافات شدید از خانواده فرار کرده‌اند و چون جایی برای خواب ندارند، به پارک‌ها و میادین، خانه‌های متروک و زیر پل‌ها پناه می‌برند.

*بر طبق نتایج پژوهشی که دکتر سید حسن حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی وضعیت کودکان خیابانی در ایران و سایر کشورها و راهکارهای اجرایی و مداخله‌گرانه انجام داده است، ۹۵ درصد کودکان خیابانی از جنس پسر هستند و ۹۰ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر زندگی می‌کنند که در اکثر موارد، والدین آن‌ها بی‌سوادند و تعداد اعضای خانواده‌شان از ۵ تا ۱۰ نفر متغیر بوده و میانگین آن ۸ نفر است. ۸۰ درصد خانواده آن‌ها مهاجر هستند که ۴۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر و ۳۶ درصد مهاجران افغانی هستند.

*دکتر فاطمه قاسمزاده در تحقیقی که در سال ۸۰ با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی ۵۸۵ نفر از کودکان کار خیابانی انجام گرفت، به این نتایج دست یافت:

در زمینه رشد اجتماعی، ۸۰ درصد این کودکان دچار پرخاشگری و خشونت، ۵۰ درصد آن‌ها به سرقت، ۴۱ درصد خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵ درصد تخریب اموال عمومی، ۵۴ درصد بی‌توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط و همچنین ۵۵ درصد این کودکان نیز به بزهکاری تمایل داشته‌اند. در این کودکان حس حسادت، انتقام‌جویی و خصومت، بی‌ثباتی و بی‌قراری، بی‌اعتمادی به دیگران، بدبینی و منفی‌گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس به وفور دیده می‌شد.

۸۰ درصد این کودکان دچار کاهش قد، ۸۶ درصد کاهش وزن، ۷۷ درصد بیماری‌های دهان و دندان، ۷۳ درصد بیماری‌های چشم، ۶۱ درصد بیماری‌های دستگاه تنفسی، ۶۴ درصد بیماری‌های قلبی، ۶۰ درصد بیماری‌های گوش و حلق و بینی، ۸۲ درصد بیماری‌های پوست و ۶۰ درصد دارای بیماری‌های دستگاه گوارشی هستند. وی با بیان این‌که ۵۶ درصد این کودکان بی‌سواد هستند، اظهار داشت: ۳۲ درصد دچار مشکل کمبود حافظه، ۳۰ درصد مشکلات یادگیری، ۶۱ درصد کمبود خفیف ذهنی، ۲۱ درصد کمبود کنجکاو، ۶۴ درصد کمبود شناخت محیط و ۶۱ درصد دارای مشکلات گفتاری هستند.

بر طبق پژوهشی در بندرعباس (رامشک، ۱۳۸۱) ۶۵ درصد کودکان خیابانی بی‌سواد هستند، ۱۴/۶ درصد در مقطع ابتدایی و ۲/۱ درصد در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند و ۱۸/۱ درصد ترک تحصیل کرده‌اند. ۷.۸۴ درصد از این کودکان با پدر و مادر یا بستگان‌شان زندگی می‌کنند، ۱۸/۱ درصد از آنان هیچ ارتباطی با والدین خود ندارند، ۱۴/۶ درصد هر چند ماه یک بار، ۷ درصد هر هفته یک بار و ۲/۱ درصد هر چند روز یک بار والدین خود را می‌بینند.

کودکان کار در ایران

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ چهاردهم مهرماه سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضاء کرد و در اسفند سال ۱۳۷۳ مفاد پیمان نامه به تصویب مجلس اسلامی رسید. همچنین ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ به مقاله نامه شماره ۱۸۲ حقوق بنیادین کار پیوسته است.

در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار: به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار بگمارند، مستوجب مجازات خواهند بود. ضمناً باید کودکان را به کاری گماشت که برای وی زیان آور نباشد. البته طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصرأ توسط صاحب کار، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک انجام می‌شود، مشمول مقررات قانون کار نمی‌باشند.

از سوی دیگر، ماده ۸۰ قانون کار، کارگری را که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارد، کارگر نوجوان می‌نامد و تاکید می‌ورزد که چنین کارگری در بدو استخدام باید از سوی سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۲ قانون کار، ساعات کار روزانه کارگر نوجوان را نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران تعیین می‌کند و ترتیب استفاده از این امتیاز را موکول به توافق کارگر و کارفرما می‌سازد.

در ماده ۸۳ قانون کار به تاکید آمده است: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز، استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر نوجوان ممنوع است.» و سرانجام ماده ۸۴ قانون کار یادآور می‌شود: «در ارتباط با مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن و یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. (نه ۱۵ سال) تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می‌کنند و به کارهایی مانند واکس‌زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی، جمع‌آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله‌ها و دعا فروشی در سر چهارراه‌ها، بازارها و یا مکان‌های شلوغ و پرترافیک می‌پردازند و ساعات‌هایی طولانی در معرض آلودگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

در ایران بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به‌عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار کودک کار می‌کنند. (روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹). البته در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶ در صدای جمهوری اسلامی ایران تعداد کودکان کار ۷ میلیون نفر اعلام شد که احتمالاً به اشتباه یک صفر اضافه ذکر شده است!

مهدی ملکی، رئیس کارگروه کودک کار و خیابان وزارت کشور ایران، ۲۹ دی ۱۴۰۲ - ۱۹ ژانویه ۲۰۲۴، گفته است «چهار مدل طرح برای ساماندهی» کودکان کار و خیابانی با عنوان‌های «مرکز شوق زندگی قوه قضاییه»، «اقدام و عمل بهزیستی»، «مشارکت مردمی» و «ساماندهی کودکان کار و خیابانی توسط شهرداری» راه‌اندازی شده است.

ملکی در گردهمایی «کودکیاران ایران» که شب گذشته برگزار شد ضمن اشاره به عملکرد ضعیف سازمان بهزیستی تاکید کرد: «در حوزه جمع‌آوری و سامان‌دهی کودکان کار و خیابانی بین دستگاه‌ها و سازمان‌ها دعوا وجود دارد و دستگاه‌ها موضوع ساماندهی و جمع‌آوری کودکان کار و خیابانی را بین همدیگر پاس‌کاری می‌کنند.»

ملکی همچنین از نبود آمار دقیق از کودکان کار صحبت کرد و آن را «ضعف بزرگ کشور» خواند.

صحبت‌های او در خصوص ایجاد طرح‌های تازه برای ساماندهی کودکان کار و خیابانی و همچنین اشاره او به نبود آمار دقیق کودکان کار اما تازه نیست. سال‌هاست که مقامات مختلف ایران در این حوزه طرح‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های بسیاری را تدوین و تصویب کرده‌اند که همه در عمل ناکارآمد و بی‌نتیجه بوده‌اند. در واقع سیاست‌های حمایت دولت از کودکان کار بدون ضمانت اجرایی در حد حرف باقی مانده است.

در راستای همین سیاست‌ها پیش از این نیز علیرضا زاکانی، شهردار تهران و دستیار ویژه رئیس جمهور و اکنون نامزد ریاست جمهوری در موضوع آسیب‌های اجتماعی از طرح مشترک شهرداری با بهزیستی، پلیس و قوه قضاییه، گفته و تاکید کرده بود که از دی ماه ۱۴۰۲ حرکتی آغاز می‌شود که تا پایان سال «چهره شهر از کودکان کار و تکدی‌گری پاک شود.»

صحبت‌های زاکانی در آن زمان با واکنش‌های تندی از سوی برخی مقامات، فعالان حقوق کودک و سازمان‌های خیریه روبه‌رو شد. آن‌ها که معتقدند طرح‌های ضربتی جمع‌آوری کودکان کار، با وجود فشارهای اقتصادی و تورم بالا، جز هزینه و آسیب بیشتر برای کودکان بی‌پناه هیچ فایده دیگری نخواهد داشت.

حسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران، نیز ضمن انتقاد از ادبیات استفاده شده از سوی شهردار تهران گفت: «امکان ندارد که شهرداری بتواند معتادان و کودکان کار را شناسایی و جذب کند. عمده عواملی که باعث می‌شود افراد کودک کار شوند یا... همچنان وجود دارد. عمدتاً به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی است و تا ریشه فقر خشک نشود، وعده زاکانی عملی نیست.»

چلک، همچنین تاکید کرد: «تاکنون هیچ‌کس نتوانسته این کار را انجام دهد. هیچ‌کس هم نمی‌تواند و با توجه به رشد فقر در کشور، تعدادشان در آینده بیشتر هم می‌شود.»

پریسا پویان، مدیر موسسه یاری‌گران کودک کار پویا، نیز در واکنش به این صحبت‌ها گفت: «دغدغه شهرداری حتی حل موضوع کودکان کار در سطح شهر نیست. آن‌ها می‌خواهند صورت مسئله را پاک کنند؛ یعنی حضور کودکان کاری که در سطح شهر هستند، مبلمان شهری را برای آن‌ها خراب می‌کند و از نظرشان وجود کودکان کار شهر را زشت کرده و دنبال حل معضل نیستند.»

خانم پویان همچنین این سؤال را مطرح کرد که چرا شهرداری جلوی مافیای زباله‌گردی که یکی از سخت‌ترین اشکال کار کودک است نمی‌ایستد؟

بنابر گزارش‌های منابع مستقل و برخی مسئولان، شهرداری با وجود ادعای طرح‌های حمایتی از کودکان کار، همچنان با برخوردی دوگانه، از این کودکان در شرکت‌های بیمه‌انکاری زیر نظر شهرداری برای جمع‌آوری و تفکیک زباله بهره‌کشی می‌کند.

کودکان کار در ایران علاوه بر زباله‌گردی و دست‌فروشی از جمله در کارگاه‌های مستقل زیرزمینی چرم و تهیه کیف و کفش و ریسندگی مشغول به کار هستند، کودکانی که بارها مورد آزار و خشونت‌های کلامی و جسمی قرار گرفته‌اند.

آمار رسمی از تعداد کودکان کار در ایران و حتی در سایت صندوق کودکان سازمان ملل، یونیسف موجود نیست اما سوده نجفی، رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران، در خرداد ماه امسال گفت فقط در تهران «۷۰ هزار کودک کار» وجود دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارش چند ماه پیش خود اعلام کرد به دلیل «فقر خانوارها» در حال حاضر ۱۵ درصد از کودکان کل کشور کار می‌کنند و ۱۰ درصد به مدرسه نمی‌روند.

به گزارش مرکز پژوهش‌های، مرداد ۱۴۰۲، مجلس ۱۵ درصد جمعیت کودکان ایران «کودکان کار» هستند و این آمار به دلیل «فقر خانوارها» افزایش یافته است. گفته شده حدود ده درصد از این کودکان امکان تحصیل ندارند.

دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس ایران در گزارشی با عنوان «چالش‌های نظارت موثر بر عدم استفاده از کار کودکان» نوشت: «تعدادی از کودکان به دلایل مختلف از جمله فقر خانوارها در اشکال مختلفی از «کار کودک» مانند کار در کارگاه‌ها مشغول به‌کار هستند.»

بر اساس آمارهایی که این گزارش به آن استناد کرده است «کودکان کار» حدود ۸ درصد و با احتساب کودکان خانهدار حدود ۱۵ درصد از جمعیت کودکان ایران را تشکیل می‌دهد و حدود ۱۰ درصد از کودکان کار به مدرسه نمی‌روند.

در گزارش آمده است: «کار کودک به‌دلیل آسیب‌های آن به‌لحاظ قانونی در قوانین بین‌المللی و داخلی نظیر قانون کار (۱۳۶۹) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) منع و جرم‌انگاری شده است و دولت مکلف شده به‌منظور کاهش کار کودکان اقدامات و حمایت‌های لازم از کودکان را به‌عمل آورد.»

گزارش‌های بسیاری در رسانه‌های ایران حاکی از آنند که کودکان در بدترین شرایط مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار می‌گیرند. با افزایش روز به روز فقر در ایران پدیده «کودکان کار» نیز به سرعت در حال گسترش است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید «ضعف در اجرای قوانین و عدم نظارت موثر بر کارگاه‌ها یکی از عمده دلایل شکل‌گیری کار کودک است» و «ماهیت تعدادی از کارهای کودک به‌ویژه بدترین اشکال آن به‌گونه‌ای است که نظارت بر آن‌ها و لذا حذف آن‌ها را دشوار می‌کند.»

در گزارش به نمونه‌هایی از «کار کودکان» نظیر کارهای خانگی، جابه‌جایی مواد مخدر، کولبری و سوءاستفاده جنسی از آنان اشاره شده است.

جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲، کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفت با این شرط که «مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد» برای جمهوری اسلامی لازم‌الاجرا نباشد.

در گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده است که ایران بسیاری از اسناد بین‌المللی «نظیر کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک» را قبول کرده و در «قوانین داخلی نظیر قانون کار (۱۳۶۹) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) کار کودک منع شده است.» با این همه و به‌رغم منع بهره‌کشی از کودکان زیر ۱۵ سال «شاهد حضور کودکان در کارهای مختلف از جمله بدترین شکل آن‌ها هستیم.»

از جمله کارهایی که کودکان به انجام آن وادار می‌شوند زباله‌گردی است که در سال‌های اخیر نیز با رشد قابل‌توجهی روبه‌رو بوده است. برخی مسئولان از یک «مافیا در زمینه پسماند» سخن گفته‌اند که کودکان را در مخزن‌های زباله به کار می‌گمارند.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید که قانون اداره کل بازرسی کار و امور اجتماعی را موظف کرده است که بر کارگاه‌ها نظارت کند تا از کودکان کار کشیده نشود. وزارت کشور نیز موظف است شرایط تحصیل را برای همه

کودکان ایرانی و اتباع فراهم کند و بالاخره سازمان بهزیستی مسئول ساماندهی کودکان خیابانی شده و شهرداری‌ها مکلف به نظارت بر عملکرد پیمان‌کاران این سازمان به‌منظور عدم به‌کارگیری اطفال شده‌اند.

با این حال، شمار کودکان کار رو به افزایش است و گزارش به صراحت می‌نویسد: «اداره بازرسی کار و امور اجتماعی در زمینه نظارت بر کارگاه‌ها در بسیاری از موارد به فرایندهای بوروکراتیک اکتفا و فرایند نظارت بر کار کودکان را موقوف به گزارش‌های دیگر از جمله گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد کرده است و کمتر به‌صورت حضوری بر کارگاه‌ها به‌ویژه در بخش غیررسمی نظارت می‌کند.»

اما جمهوری اسلامی ایران فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز تحمل نمی‌کند. حکومتی که سازمان‌های مدافع لغو کار کودکان و فعالین عرصه کودکان کار را سرکوب می‌کند. جمهوری اسلامی، حتی فعالیت قانونی و علنی «جمعیت امام علی» را تحمل نکرد. قوه قضاییه در پی شکوائیه وزارت کشور این سازمان را منحل کرد و شماری از مدیران این نهاد نیز توسط دستگاه‌های اطلاعاتی بازداشت شدن و یا مجبور به خروج از کشور شدند.

فعالان مدنی می‌گویند با ادامه این وضع، برای میلیون‌ها کودک زباله‌گرد، کارتن‌خواب، تکدی‌گر و کپر نشین در ایران هیچ چشم‌اندازی برای حداقل بهبود در زندگی وجود ندارد.

آمار هفت میلیونی کودکان کار در ایران

آمار مشخصی درباره تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد، اما فرشید یزدانی فعال حقوق کودک و مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان کار در گفت‌گویی، به تاریخ یک‌شنبه ۲۱ دی ۱۳۹۹، تعداد آنان را ۷ میلیون می‌داند.

فاطمه اسلامی مددکار اجتماعی و مدیر واحد مشاوره و صدای یارای انجمن حمایت از حقوق کودکان در این باره می‌گوید: طبق پژوهش‌های بین‌المللی اثبات شده که تجربیات نامطلوب دوران کودکی به‌خصوص تا زیر سن هجده‌سالگی به‌طورکلی نقش موثری در طول عمر، کیفیت زندگی، امید به زندگی و سلامت روان افراد دارد.

وی می‌افزاید: شرایطی، چون مهاجرت، تابعیت، فقدان دسترسی به تحصیلات، ازدواج‌های اجباری یا زودهنگام، عدم درک توسط والدین یا نبود والدین و مراقبین آگاه و حمایت مؤثرشان، فقر، تبعیض و خشونت اجتماعی باعث می‌شود کودک یا نوجوان در ریسک بالاتری نسبت به سایر افراد جامعه قرار بگیرد. چون آسیب‌پذیرتر شده است. او مدام با چالش مواجه بوده و در سنین مختلف رشدی به جای این‌که نیازهایش از طریق افراد امن و مراقبین آگاهی تامین شود خود برای پاسخ‌گویی به نیازهایش تلاش کرده و این تلاش متناسب با سنش نبوده است. همه این عوامل می‌تواند فرد را در شرایطی قرار بدهد که با یک بی‌قدرتی زیاد، احساس ناامیدی و درماندگی بکند. ما به این آسیب می‌گوییم.

به گفته یک فعال حقوق کودکان، در برخی از استان‌های ایران میانگین سنی کودکان زباله‌گرد تنها ۱۲ سال است. سارا رضایی از فعالان حقوق کودکان به خبرگزاری «ایسنا» گفته است که طبق آمارهای رسمی در ایران حدود دو میلیون کودک کار وجود دارد.

خبرگزاری «ایلنا» به نقل از فرانک ایمانی «رییس گروه امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی» نوشت در ایران تنها یک سوم کودکان کار تحت نظر سازمان بهزیستی قرار دارند.

به گفته سوسن مازیار فر یکی از اعضای این نهاد حامی حقوق کودکان، در برخی استان‌های ایران میانگین سنی کودکان زباله‌گرد تنها ۱۲ سال است.

رضا شفاخواه، وکیل و مسئول کمیته حقوق کودک گروه حقوق بشر اسکودا سخنران دیگر این نشست بود و دولت را متولی اصلی و تنها مسوول امور اجتماعی در کشور دانست و گفت: اگر مردم کاری را انجام می‌دهند و از طریق تشکیل گروه یا موسسه کاری را انجام می‌دهند، به دولت کمک می‌کنند و باید از آن‌ها تقدیر شود.

او افزود: کار کودک با حجم بالایی انجام می‌شود و اگرچه نهادها و سازمان‌های مدنی در این زمینه فعال هستند، تا زمانی که مشکلات این بچه‌ها به‌طور عمده حل نشود، به جایی نمی‌رسد و حل نمی‌شود.

این فعال حقوق کودک، آمار کودکان کار در کشور را نزدیک به ۳ میلیون نفر عنوان کرد و گفت: یکی از کارهای مفید، تصویب قوانین حمایتی در زمینه حمایت از کودکانی است که در وضعیت خاص قرار دارند. در گذشته قانونی بود که در سال ۱۳۸۱ با ۹ ماده تصویب شده و در ماده ۴ آن جرایم اندکی برای آزار کودک گذاشته شده بود. سال ۱۳۸۳ یک مورد کودک‌آزاری شامل آزار چند کودک در شهریار را پیگیری کردیم و پس از کش و قوس بسیار این مسئله در دادگاه رسیدگی شد و در نهایت کارفرمای آزارگر تنها به ۳۰۰ هزار تومان جریمه محکوم شد و به این نتیجه رسیدیم که قانون باید اصلاح شود.

شفاخواه تصریح کرد: ۱۱ سال پیگیری صورت گرفت تا در سال ۱۳۹۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تصویب شد که اگر چه قانون کاملا ایده‌آل نیست ولی بسیاری از موارد را در بر گرفته است.

مسئول کمیته حقوق کودک گروه حقوق بشر اسکودا گفت: کار کودک به کار عادی و سخت و زیان‌آور تقسیم می‌شود که کار سخت و زیان‌آور جرم محسوب می‌شود و به کارگیری در مشاغل عادی برای کودکان زیر ۱۵ سال غیرمجاز است.

او افزود: با سیاست‌ورزی نمی‌توان این مشکلات را حل کرد و باید با رویکرد اجتماعی با این مساله مواجه شد. از سوی دیگر تا خانواده توانمند نشود، این وضعیت مخاطره‌آمیز حل نمی‌شود.

شفاخواه به وظایف مشخص شده برای سازمان‌ها و نهادها در قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان اشاره کرد و گفت: سازمان‌ها در زمین حقوق کودکان تکالیفی دارند و به عنوان مثال در این قانون برای سازمان صدا و سیما تکلیف مشخص شده است که محتوای آموزشی و ترویجی تولید و توزیع شود، اما تاکنون شاهد کار منسجم و فراگیری در این عرصه نبوده‌ایم.

این وکیل دادگستری افزود: در یکی از شهرهای کشورهای همسایه شنیدم که کودکی می‌گفت ما شنیده‌ایم که فلان منطقه ایران بهشت زباله‌گردی است و ما می‌خواهیم به آنجا بیاییم و پولدار شویم! یعنی از کشورهای همسایه به قصد زباله‌گردی به ایران می‌آیند تا از آن منفعت ببرند، منفعتی که در سال ۱۳۹۷ روزانه حدود ۱۵۰ میلیون تومان برآورد شده است.

طبق گزارش سازمان بهزیستی در مورد کودکان کار؛ بیشتر دست‌فروشی‌ها و گل‌فروشی‌ها توسط دختران انجام گرفته است و پسران اکثرا در کارهایی مانند زباله‌گردی و باربری فعالیت دارند.

در ایران درباره کودکان کار خیابانی آمارهای مختلف و متناقضی اعلام می‌شود. برخی مطالعات نشان می‌دهد جمعیت کودکان کار در خیابان و کودکان خیابانی در شهرهای بزرگ ایران رو به گسترش است.

طبق گزارش مرکز تحقیقات مجلس حداقل ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک از چرخه تحصیل باز ماندند. بر اساس آمارها تعداد کودکان کار ایران در بازه‌ای بین یک میلیون و ششصد هزار نفر تا ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده است. حدود ۳ میلیون و پانصد هزار کودک حاشیه‌نشین و بیش از ۷۰۰ هزار کودک مهاجر و پناهنده وجود دارد.

حدود ۸۸ درصد کودکان کار بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۹ پیش خانواده می‌خوانند و مابقی شب را در مکان‌هایی می‌گذرانند که والدین‌شان حضور ندارند.

بر اساس مطالعه‌های کیفی (از سوی بهزیستی و در سال ۱۴۰۰) معمولاً اعضای یک خانواده یا فامیل در ساعات اولیه صبح به صورت گروهی به محل کار خود می‌آیند و شب با هم باز می‌گردند.

در مطالعاتی که شهرداری تهران در سال ۱۳۸۹ انجام داده است حدود ۷۱ درصد کودکان خیابانی تهرانی با پدر و مادر یا یکی از این دو زندگی می‌کنند. در بررسی‌هایی که صورت گرفته است بیشترین فراوانی مراجعه کودکان به مراکز کودکان خیابانی غیردولتی ۱۹ درصد و مراکز کودکان خیابانی وابسته به بهزیستی ۱۵ درصد است.

یافته‌ها نشان می‌دهد با افزایش سن و بعد از ۱۵ سالگی، کودکان کار ترجیح می‌دهند با دوستان خود زندگی کنند.

نتایج ارزیابی سریع و پاسخ به وضعیت کودکان خیابانی در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد ۸۵ درصد از کودکان خیابانی ازدواج نکردند. ۱۲ درصد متاهل، ۴٫۰ درصد طلاق گرفته و ۲ درصد نامزد بوده‌اند.

بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۹، حدود ۷۲ درصد کودکان کار به اشکال مختلف به مدرسه می‌روند. بیشتر این دانش‌آموزان مقطع دبستان را سپری و برخی هم تا اول متوسطه حضور دارند؛ تعداد کمی از کودکان کار هستند که مقطع متوسطه دوم را هم سپری می‌کنند.

خروج از تحصیل به علت کار مهم‌ترین علت ترک تحصیل کودکان است. بر اساس مطالعات شهرداری تهران ۶۴ درصد کودکان کار علت ترک تحصیل خود را اشتغال به کار عنوان کردند.



نیاز سرمایه‌داری به نیروی کار بیش‌تر و ارزان‌تر

سرمایه‌داری جهانی، همواره سعی دارد نیروی کار ارزان‌تر و خاموش مانند کودکان و زنان را با دستمزد کمتری به کار گیرد تا سود بیش‌تری ببرد.

کشورهای غربی در دوران صنعتی شدن برای حمایت از اقتصاد به سرعت در حال رشد به نیروی کار بیش‌تر نیاز داشتند. رکود اقتصادی در دوران انقلاب صنعتی به شدت بر شرایطی که کار کردن مرد خانه برای سیر کردن شکم خانواده و برآورده کردن نیازهای آن‌ها کافی بود، تاثیر گذاشت و زنان و کودکان نیز مجبور شدند برای کار راهی کارخانه‌ها شوند تا پول کافی برای بقا و امرار معاش خانواده به دست آورند. استعمار کودکان به عنوان منبع نیروی کار ارزان، از آن زمان رایج و غالب شد.

کمیسیون سلطنتی در سال ۱۸۳۱ توصیه کرد که کودکان بین ۱۱ تا ۱۸ سال باید ۱۲ ساعت در روز کار کنند و کودکان ۹ تا ۱۱ سال باید حداکثر ۹ ساعت کار در روز کنند. در سال ۱۹۱۰ تنها در ایالات متحده بیش از دو میلیون کودک به‌طور فعال در مشاغل مختلف برای حمایت از اقتصاد مشغول به کار هستند.

سال ۲۰۰۲ سازمان بین‌المللی کار دوازدهم ژوئن را روز جهانی مبارزه با کار کودکان را به‌منظور گسترش آگاهی و فعالیت‌هایی برای دستیابی به این هدف معرفی کرد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ به‌عنوان بخشی از معاهده ورسای تاسیس شد که به جنگ جهانی اول پایان داد و بر این اصل استوار است که صلح پایدار تنها از طریق عدالت اجتماعی حاصل می‌شود.

سازمان یادشده جامعه جهانی را ترغیب کرده است که اقدامات فوری و موثری برای لغو و ممنوعیت کار کودکان به هر شکل ممکن انجام دهد و زمان دستیابی به هدف حذف کار کودکان را سال ۲۰۲۵ تعیین کرده است و روز جهانی مبارزه با کار کودکان را راهی برای ارائه بستری برای دولت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و افراد برای رسیدگی به موضوع کار کودکان به‌صورت جامع و هماهنگ، همچنین شناسایی و ارزیابی راحل‌های بالقوه برای این امر می‌داند.



پدیده کودکان کار در ایران و جهان، یکی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و گسترش آن معلولی از عوامل گوناگون و در هم پیچیده اجتماعی و اقتصادی است و از طرفی خود، مولد آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز به‌شمار می‌رود.

پدیده کودکان خیابانی یک مسئله اجتماعی است که با شرایط و تحولات ساختاری جامعه ایرانی مرتبط است و در دهه‌های اخیر به علل گوناگونی از جمله افزایش جمعیت، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، فقر، بیکاری و مهاجرت‌ها به‌ویژه روستا-شهری، تغییرات در سبک زندگی به‌ویژه از سنتی به مدرن و خانواده‌های نابسامان (طلاق، اعتیاد و ...) افزایش یافته است.

بحرانی که کودکان طبقه متوسط جامعه را هم به فضای کار کشانده و به‌عنوان دستیار پدر و مادر خود در مراکز خرید و فروشگاه‌ها کارگر کرده است.

کودکان کم و سن سالی که کمک حال والدین یا فرد بزرگسال در مغازه‌ها هستند و امکان دارد قدشان هم به قفسه‌ای که شما از آن وسیله نیاز دارید نرسد می‌تواند حتی برای برخی جالب باشد ولی این کودکان هم کودک کار هستند. هرچند در آمار کودکان کار پنهان مانده و دیده نشده‌اند. چون ظاهر آن‌ها هیچ شباهتی با تعریف کتابی و همه‌گیر کودکان کار برای شهروندان ندارد. ولی این چهره جدید شهر نشان‌دهنده وسعت فقر، حداقل در پایتخت است.

در بازارچه‌ها، به کرات دختر و پسر زیر ده ساله کنار دست پدر یا مادر خود مشغول به کار هستند. در لیبیات فروشی پسر بچه ۹ ساله چکمه‌های پلاستیکی سیاهی به پا کرده، آستین‌ها را بالا زده و به شست‌وشوی فروشگاه بزرگ پدرش سرگرم است.

خبرگزاری «ایرنا»، متعلق به دولت، خرداد ۱۴۰۱ در گزارشی با اشاره به افزایش کودکان کار و خیابان در ایران نوشت: «بر اساس برخی از آمار و گزارش‌های میدانی ۱۵ تا ۲۰ درصد از کودکان کار بی‌خانمان و بی‌سرپرست هستند.» در این گزارش، همچنین ذکر شد: «یکی از مهم‌ترین خطراتی که کودکان کار به‌ویژه دختران را تهدید می‌کند، تجاوز و روسپی‌گری است. بر اساس برخی از آمار و گزارش‌ها، سن روسپی‌گری به ۱۶ سال کاهش یافته است. تبعاتی که با ساماندهی کودکان کار به طور حتم کاهش یافته و مرتفع خواهد شد.»

ایران بهشت کودکان کار شده است. به این معنا که هر کودکی می‌تواند برای کار پا به خیابان بگذارد. چهره شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران به‌خوبی نشان‌دهنده عمق فاجعه افزایش روزانه کودکان کار است.

با افزایش تورم، بحران‌های اقتصادی، بیکاری سرپرست خانوار و فقر چهره شهر بر تعداد کودکان کار نیز افزوده می‌شود. حالا چهره‌های جدیدی را میان این کودکان رنگ‌پریده دیده می‌شود و آن کودکان طبقه متوسط است که با سرعت در حال سقوط هستند.

کودکان کار نمایندگان آشکار اختلاف طبقاتی در جامعه هستند. امروزه اکثر محققان، کودکان خیابانی را یک مشکل اجتماعی رو به رشد می‌دانند زیرا کودکان کار تنها افراد هستند که از حمایت‌های اجتماعی و امنیت در خیابان‌ها محروم و اسیر حلقه فقر می‌شوند؛ علاوه بر این نیازهای اصلی و اولیه آن‌ها برآورده نشده و به دلیل تبعیض اجتماعی توسط جامعه رد شده‌اند. دلایل زیادی برای حضور کودکان در خیابان به علت کار وجود دارد اما با اطمینان می‌توان گفت که فقر یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری این موضوع است. یکی از دغدغه‌های ذهنی برخی از افراد جامعه، میزان درآمد کودکان کار خیابانی است.

در واقع کار کودکان، جنبه‌های منفی اقتصادی و اجتماعی درخور توجهی را در بر دارد، به‌طوری که نه تنها زندگی کودکی را بر باد می‌دهد و آینده کودک را تباہ می‌سازد هم‌زمان مانع جدی افزایش مهارت‌ها، آموزش و دانش می‌شود؛ در نتیجه صدمه‌های جانی و مالی بالا می‌رود و انواع آسیب‌های اجتماعی شامل مسائل جنسی، اعتیاد، خرده‌فروشی مواد مخدر و بزهکاری به‌وجود می‌آید.

برخی از کودکان کار صاحب‌شونده بیان کردند که به‌دلیل نوع شغل پدرشان، یعنی کارگری، نگرهبانی و...، درآمد پایین آن‌ها و همچنین شغل مادرشان که خانه‌داری است و درآمدی ندارد، نمی‌توانند هزینه‌های زندگی را تامین کنند. در این صورت کودک مجبور می‌شود برای کمک به پدر و برای تامین هزینه‌های زندگی، کار کند.

برخی دیگر از کودکان، بیان کردند که پدر آن‌ها به‌دلیل اعتیاد بیکار است و کودک برای تامین هزینه‌های زندگی خانواده و کمک به مادر و خواهر و برادرهای خود، مجبور به کارکردن می‌شود.

برخی دیگر از کودکان بیان کردند که با کارکردن می‌توانند وسایل مورد نیاز خود را برای مدرسه بخرند و لوازم مدرسه خواهر و برادر خود را تامین کنند.

کودکان کار در مصاحبه‌هایی بیان کردند که از طرف هیچ ارگان خاصی حمایت نمی‌شوند و فقط برخی از آن‌ها بعد از فوت پدرشان، حقوق ناچیزی از کمیته امداد دریافت می‌کنند که آن هم به‌اندازه تامین نیازهای آن‌ها نیست؛ بنابراین مجبورند برای تامین معاش زندگی خود و خانواده‌شان کار کنند.

آمار کودکان کار و خیابانی در استان‌های مختلف با توجه به جغرافیا و تفاوت‌های فرهنگی در استان‌ها متغیر است. در تهران به ازای هر ۵۳۰ نفر جمعیت، در تبریز به ازای هر ۱۶ هزار نفر جمعیت «یک کودک کار» کار و خیابان وجود دارد، ضمن این‌که در کرمان در سال گذشته ۱۰۶۳ کودک خیابانی و کار در شهرستان کرمان شناسایی شده‌اند. در استان البرز در سال‌های ۹۶ و ۹۷ و سه ماهه اول ۹۸ تعداد ۹۳۰ مورد کودک کار و خیابان در مراکز تحت نظارت اداره کل بهزیستی پذیرش شده‌اند. در یزد ۷۵۹ کودک کار و خیابانی از سال ۹۲ تا پایان سال ۹۷ در مراکز بهزیستی یزد پذیرش شدند و در استان خوزستان نیز کودکانی که توسط بهزیستی شناسایی و شناسنامه‌دار شده‌اند و برای آن‌ها پرونده تشکیل شده است، تقریباً ۵۶۰ نفر هستند که همه آن‌ها خانواده دارند و تنها ساعاتی از روز را در خیابان‌ها کار می‌کنند. این آمارها در حالی از طرف رژیم منتشر می‌شود که آشکار است تعداد کودکان کار و فاقد حامی اجتماعی در ایران بسیار بیشتر است.

نتیجه‌گیری

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان پارلمان جهانی در ۲۵ ژوئیه سال ۲۰۱۹ میلادی قطع‌نامه‌ای صادر کرد که براساس آن سال ۲۰۲۱ میلادی را به‌عنوان سال بین‌المللی حذف کار کودک نام‌گذاری کرده بود و از آنجا که سال ۲۰۲۱ میلادی سال بین‌المللی حذف کار کودک تا کمتر از دو ماه دیگر به پایان می‌رسد، نه تنها وعده‌هایی که محقق نشده بلکه برعکس، آمار کار کودکان در جهان به مراتب بالا رفته است.

مطابق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ «هر انسانی که به ۱۸ سال نرسیده باشد کودک محسوب می‌شود، مگر آن‌که طبق قانون دولت متبوع کودک سن بلوغ زودتر به وی اعطا شود.» سن بلوغ در این ماده که ۱۸ سالگی است یک سن مطلق نیست بلکه بر حسب قانون ملی کودک متغیر است. به همین جهت مقررات کنوانسیون در مورد کودکانی که تحت حاکمیت قوانین ملی خود زودتر به سن رشد قانونی می‌رسند نیز استثنائاً قابل اعمال و اجرا است.

اما دلایل عمده رواج پدیده کودکان کار، فاصله طبقاتی و حرص و ولع سرمایه‌داری و فقر اقتصادی است؛ زیرا چون خانواده‌ها دچار مشکلات مالی بسیاری‌اند، به‌اجبار کودکان خود را وارد بازار کار می‌کنند. از طرف دیگر چون هیچ حامی ندارند، مجبورند خود به‌تنهایی و با کمک فرزندان‌شان مخارج زندگی را تأمین کنند.

همچنین در مورد دیگر، کودکان خیابانی را حاصل مهاجرت و پناهندگی و همچنین مهاجرت از روستا به شهر و پیامدهای گسیختگی و فروپاشی ساخت خانواده است.

کودکی دوره‌ای حیاتی برای رشد ایمن و سالم‌سازی انسان است. این کودکان بسیار بیشتر در معرض خطراتی همچون بیماری، جراحت و حتی مرگ، خطرات ماشینی، بیولوژیکی، فیزیکی، شیمیایی، ارگونومیک، بهداشتی و روانی اجتماعی قرار دارند. تهدید مخاطراتی که برای کارگران بزرگسال وجود دارد، برای کودکان افزون‌تر است؛ برای مثال، فشار جسمی که به‌وسیله فعالیت بیش از حد وارد می‌شود، مانع رشد استخوان‌ها و مفاصل می‌شود، به ستون فقرات فشار می‌آورد و باعث بروز دیگر ناتوانی‌های مادام‌العمر می‌شود. کودکان کار بیشتر از صدمات روحی ناشی از محیط زندگی رنج می‌برند که در آن تحقیر و معذب می‌شوند یا خشونت را تجربه می‌کنند و از آن‌ها سوءاستفاده می‌شود. در کنار همه این‌ها، کار کودکان تأثیر بسیار مخربی بر آینده کودک دارد. محرومیت از تحصیلات با کیفیت، کار کودکان را همانند بزرگسالان از شانس کمی برای کسب شغل مناسب به‌رمنند می‌کند. ضمن آن‌که آن‌ها را از توانایی حذف چرخه فقر و استثمار در زندگی‌شان محروم می‌کند.

مسئولات حکومتی، به کودکان کار و خیابان اهمیتی نمی‌دهند و یا این که به‌طور کلی آن را کتمان می‌کنند. اگر هم جایی در این مورد اظهارنظری بکنند کودکان کار مهاجران و پناهندگان افغان را نشان می‌دهند. در حالی که کتمان کار کودک و خیابان، اطلاع‌رسانی نکردن درباره وضعیت این کودکان، انتشار آمارهای نادرست راجع به تعداد این افراد و اتخاذ رویکردهای ضربتی و بدون برنامه‌ریزی، ضمن اختصاص بودجه‌ای سنگین که موجبات سوءاستفاده و انحراف از مسئله اصلی را فراهم می‌کند، نه تنها به حل این معضل اجتماعی کمکی نمی‌کند، به‌نوعی فرافکنی و برون‌رفت از این وضعیت منجر می‌شود و سامان‌دهی و حل مسئله کودکان کار را با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین لازم است همچنان نهادهای مسئول دولتی را تحت فشار قرار داد به وظایف خود در قبال کودکان عمل کنند و بهداشت و درمان و آموزش و پرورش کودکان تا ۱۸ سالگی را فراهم کنند. این وظیفه حاکمیت است.

مسئولان دولتی وظیفه دارند با توجه به علل شناسایی شده در پژوهش حاضر، تمهیدات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش این معضل اجتماعی، تلاش کنند.

کودکان کار معمولاً در معرض آسیب‌های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی قرار دارند، از تحصیل محروم هستند و به نیازهای کودکی آنان توجهی نمی‌شود. همچنین خطرات زیادی آن‌ها را تهدید می‌کند.

کار کودک از جمله مصادیق قدیمی نقض حقوق بشر است و واقعیات دردناک زندگی این افراد بی‌پناه موجب شد تا از دهه آخر قرن پیشین، حقوق کودک و سپس کار وی، مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرد.

کار کودک پدیده‌ای است که در جهان امروز به هیچ عنوان قابل پذیرش نمی‌باشد به این دلیل که کار کودک، کودکان را از دوران کودکی خود از جایگاه انسانی آن‌ها محروم می‌سازد و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها زیان‌آور است.

امروزه یکی از مسایل مهمی که قانون‌گذاران، حقوق‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بین‌المللی و داخلی را مورد توجه خود قرار داده است کودکان کار و معضلات ناشی از کار کودک می‌باشد. زیرا کودکان امروز امید و سرمایه ملی فردای جامعه خود هستند و چشم امید آینده یک جامعه به کودکان امروز می‌باشد. کودک به‌عنوان یک انسان دارای حقوق اساسی و مشترک با سایر انسان‌ها است. حقوقی که از آن‌ها به‌عنوان حقوق بشر یاد می‌شود.

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد و... قرار گیرند؛ و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند. به‌طور کلی کودکان کار به دلیل داشتن وضعیت عاطفی نامناسب و شرایط خاص زندگی، دارای روحیه‌ای حساس و از نظر عاطفی، آسیب‌پذیرتر از کودکان هم سن و سال خود هستند؛ بنابراین بی‌توجهی و نادیده گرفتن این کودکان باعث نهادینه شدن خشمی پنهان در ناخودآگاه آن‌ها شده، در بزرگسالی باعث بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می‌شود که کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می‌کند و فقر و تهیدستی را افزایش می‌دهد، کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی بازمی‌دارد و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار را در جامعه کاهش می‌دهد. آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و... افزایش می‌یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌گردد.

باتوجه به وضعیت اقتصادی و فساد گسترده سیستم در جمهوری اسلامی ایران، آمار کودکان کار و خیابان، روزبه‌روز افزایش پیدا خواهد کرد. به میان آوردن سخن از کودکان کار بسیار رنج‌آور است. کودکانی که باید دوران کودکی خود را با آرامش کامل و شرایط مخصوص خود سپری کنند، گرفتار کار و گاه بزهکاری نیز خواهند شد.

لازم به یادآوری است که در دهه ۶۰، جمهوری اسلامی ایران برای بقای خود دست به کشتار فعالین سیاسی از جمله کودکان زد. طبق گفته شاهدان و اسناد به دست آمده، طی کشتار ۶۷، مسئولان اعدام در فرایند نقض حقوق کودکان، در مقابل کودکان زیر ۱۴ سال، اعضای خانواده‌شان را تیرباران و اعدام می‌کردند. کودکان و نوزادان را همراه با خانواده خود، در سلول‌های انفرادی حبس می‌کردند. همچنین شواهد و شاهدان نشان می‌دهند که ده‌ها کودک زیر ۱۸ سال که اکثر آن‌ها دختر بودند، اعدام شدند.

از دیگر اعدام‌های جنجال‌برانگیز در رابطه با همجنس‌گرایان کودک (زیر ۱۸ سال)، می‌توان به اعدام محمود عسگری و عیاض مرهونی به اتهام همجنس‌گرایی در مشهد اشاره داشت.

در جنبش «زن، زن، زندگی، آزادی» پس از مهسازینا امینی در گشت ارشاد تهران، حداقل ۷۰ کودک به دست نیروهای حکومتی کشته شدند. تمامی این کودکان توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی یا با شلیک سلاح گرم یا در اثر ضرب و شتم، جان خود را از دست داده‌اند. تاکنون هیچ پرونده قضایی برای قتل کودکان تشکیل نشده است و تحقیقات مستقل و معتبری درباره قتل این کودکان انجام نگرفته است.

استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، تهران، کردستان، کرمانشاه، گیلان، البرز، اردبیل، خوزستان و شهرهای اشنویه، دهدشت، زاهدان، خاش، ارومیه، تهران، شهر ری، سنج، پیرانشهر، سراوان، بندر انزلی، هشتگرد، اسلام‌آباد غرب، کرچ، کرمانشاه، اردبیل، ایذه، سقز شاهد جان باختن کودکان‌شان بوده‌اند.

در نظام حقوقی بین‌المللی، حمله و آسیب رساندن به کودکان توسط نیروی نظامی و امنیتی از مصادیق حمله به غیرنظامیان است که می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت محسوب شود. هرچند این موارد هم در غزه توسط دولت اسرائیل و هم در ایران توسط جمهوری اسلامی، بسیار تکرار گردیده است.

استفاده نظامی از کودکان به سه شکل می‌باشد: اولین شکل آن به‌کارگیری کودکان به‌عنوان کودک-سرباز در جنگ است، دومین صورت آن استفاده در فعالیت‌های حمایت از جنگ مانند نگهبانی، جاسوسی و بردگی جنسی می‌باشد. سومین شکل آن نیز استفاده از کودکان برای پروپاگاندا در جنگ می‌باشد. بر اساس ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، گروه‌های سیاسی نباید از افراد زیر پانزده سال در جنگ استفاده کنند. ماده ۴ «پروتکل اختیاری شرکت کودکان در جنگ» از طرفین درگیری‌ها می‌خواهد که به افراد زیر هیجده سال اجازه شرکت در جنگ داده نشود و سربازگیری اجباری در مورد این افراد نیز ممنوع می‌باشد.

به گزارش ائتلاف برای توقف سربازی کودکان، تعداد کودکان سرباز در ایران مشخص نیست؛ اما بسیج از افراد داوطلب زیر ۱۸ سال در جنگ ایران و عراق استفاده می‌کرد. این سازمان همچنان از افراد زیر ۱۸ سال هرچند به‌گونه داوطلب استفاده می‌کند اما در صورت عدم عضویت در سازمان بسیج می‌تواند عواقبی همچون تبعیض در حقوق شهروندی و مواردی همچون عدم تأیید صلاحیت برای اشتغال در سنین بالاتر را به دنبال داشته باشد.

کودکان سرمایه‌های درخشان آینده جامعه بشری هستند که باید برای رهایی آنان و احقاق حقوق انسانی‌شان بدون در نظر گرفتن هرگونه تبعیضی مبارزه کرد و این مبارزه قطعاً بخشی از مبارزه جنبش‌های اجتماعی است.

به امید آزادی و دنیایی که در آن، هیچ کودکی رویای کودکیش را در کابوس استنمارگران و جنگ‌طلبان سرمایه و ارتجاع از دست ندهد.

مطلب را با سرودی از محمدرضا شفیعی کدکنی به‌نام: «نفسم گرفت از این شب در این حصار بشکن»؛ به پایان می‌برم.

نفسم گرفت از این شهر در این حصار بشکن
در این حصار جادویی روزگار بشکن
چو شقایق از دل سنگ برآر رایت خون
به چنوں صلابت صخره کوهسار بشکن
تو که ترجمان صبحی به ترنم و ترانه
لب زخم دیده بگشا، صف انتظار بشکن
زبرون کسی نیاید، جویباری تو این جا
تو ز خویشتن برون آسپه تترار بشکن
شب غارت تتراران همه سو فکنده سایه
تو به آذرخشی این سایه دیوسار بشکن
سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
تو خود آفتاب خود باش، طلسم کار بشکن
به سرای تا که هستی که سرودنست بودن
به ترنمی دژ وحشت این دیار بشکن.

شنبه بیست و ششم خرداد-جوزا-۱۴۰۳-پانزدهم جون ۲۰۲۴